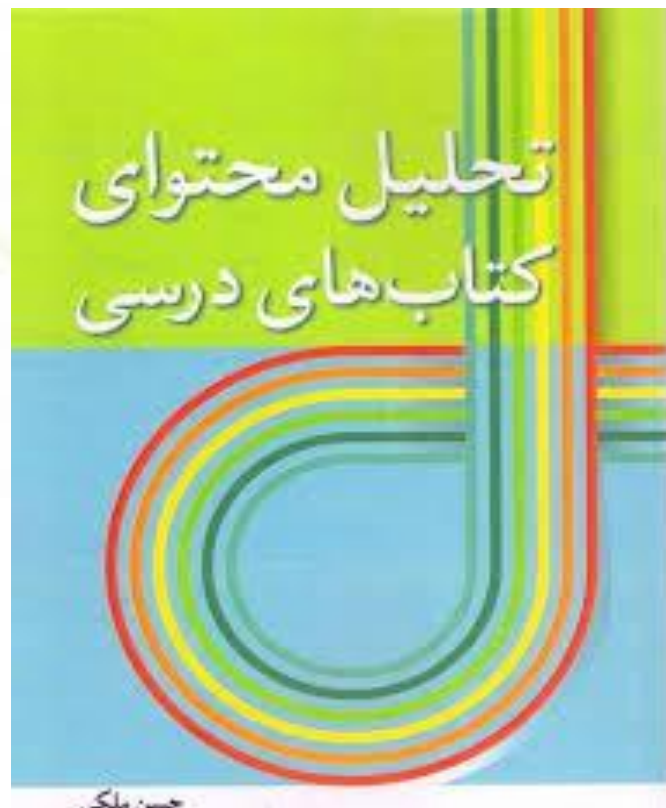




اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ
وَعَلَى مَنْ تَرْضَى وَارْتَضَى مِنْهُمْ وَارْتَضَى مِنْهُمْ

تحلیل محتوای کتاب های درسی



دکتر سید حسین عبادی

پایه نهم ۱۳۹۹



[دکتر
عبادی]

ساختار کتاب های درسی

قسمت میانی کتاب درسی از چند واحد یادگیری تشکیل شده است. منظور از یک واحد یادگیری با توجه به ساختار کتاب، یک بخش یا یک فصل است. براین اساس، یک کتاب از چند بخش و هر بخش از چند فصل و هر فصل از چند درس تشکیل شده است.

الف) مقدمه درس

هر واحد یادگیری می تواند یک یا دو صفحه مقدمه داشته باشد. مقدمه باید انگیزه یادگیری دانش آموزان را افزایش دهد. بدین منظور می توان از این موارد کمک گرفت:

۱. عکس های زیرنویس دار در رابطه با موضوع واحد یادگیری

۲. ارائه اهداف کلی در قالب چند سؤال یا مسئله

۳. بیان ارتباط محتوای واحد یادگیری با مسائل زندگی روزمره دانش آموز

ب) متن اصلی درس

محتوای هر درس در این قسمت ارائه می شود. متن نوشتاری، نقاشی، عکس، جدول، نقشه و نمودار رسانه هایی هستند که برای ارائه محتوا مورد استفاده قرار می گیرند. محتوای کتاب درسی فرصت هایی برای یادگیری مفاهیم، تعمیم ها، نظریه ها، اصول، مهارت ها و دیگر توانمندی های شناختی و روان- حرکتی فراهم می آورد. همچنین به تغییر نگرش ها و ایجاد و توسعه ارزش ها کمک می کند.

ج) قسمت انتهایی درس

جمع بندی، نتیجه گیری، مروری کلی بر نکات مهم و ارائه تعاریف مفاهیم اساسی دروس می تواند در قسمت پایانی گنجانده شود. همچنین این بخش از کتاب درسی محل مناسبی برای ارائه تمرین ها، خودآزمایی ها، پرسش ها، و فعالیت های تکمیلی به منظور تعمیق یادگیری است.



ساختار کتاب های درسی

قسمت پایانی کتاب درسی متشکل از پیوست‌ها، منابع و مآخذ، واژه‌نامه‌ها، نقشه‌ها و جداولی است که در طول سال تحصیلی مورد استفاده دانش آموز قرار می‌گیرد.

براساس مطالب ارائه شده در دستورالعمل دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی می‌توان گفت که سه عنصر مهم کتاب‌های درسی عبارت‌اند از: اهداف، متن و تمرین‌ها. البته تقسیم‌بندی‌های دیگری در این زمینه صورت گرفته است که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. برای مثال، عابدی کرجی‌بان (۱۳۹۲) کتاب درسی را به دو بخش ظاهری - فیزیکی و محتوایی - اطلاعاتی تقسیم کرده است که با توجه به این تقسیم‌بندی، اهداف، متن و تمرین‌ها سه عنصر از بخش محتوایی - اطلاعاتی کتاب درسی خواهند بود.



اهداف آموزشی در کتاب‌های درسی و سطوح آن

اهداف آموزشی مقاصدی هستند که برنامه‌ریزان و مربیان انتظار دارند فراگیرندگان پس از پایان آموزش به آن‌ها دست یابند. به همین دلیل، ذکر اهداف و انتظارات در کتاب‌های درسی اهمیت بسیار دارد. بیان اهداف در کتاب‌ها بر حسب نوع درس مورد نظر، پایه تحصیلی و ... ممکن است به طور متفاوتی صورت گیرد (از طریق عکس، بیان چند سؤال و ...).

برای آشنایی بیشتر با اهداف کتاب‌های درسی شایسته است که در مورد اهداف در برنامه‌های درسی بررسی بیشتری صورت پذیرد؛ بدین منظور، سه نوع طبقه‌بندی اهداف شامل طبقه‌بندی اهداف از نظر سطح، از نظر رفتار مورد انتظار و از نظر محتوا توضیح داده می‌شود. اهداف - یعنی نتایج مورد انتظار از فرایند آموزشی - ممکن است در سطوح کلی و یا جزئی بیان شوند. اهداف کلی^۱ منعکس‌کننده مبانی فلسفی هستند و متوجه یک کار ویژه در یک دوره زمانی خاص نیستند (ویلز^۲ و بوندی^۳، ۲۰۰۶).

اهداف کلی از سیاست‌ها و راهبردهای آموزشی هر کشور ناشی می‌شود و تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار می‌گیرد. این اهداف، نتیجه اندیشه فلسفی، هویت و فرهنگ انسان است. همچنین متأثر از اعتقادات، ارزش‌ها و نیازهای اجتماعی، اقتصادی، فردی و ملی و نظام ارتباطی انسان با طبیعت، محیط و جامعه است (هیومل ۱۹۷۷).



اهداف آموزشی در کتاب‌های درسی و سطوح آن

اهداف بسیار کلی که از آن به آرمان‌ها تعبیر می‌شود، تعیین‌کننده جهت حرکت نظام‌های آموزشی است. برنامه‌ریزان برای کمک به تحقق آرمان‌ها، به خرد کردن آن‌ها می‌پردازند. در همین راستا اهداف را به سطوح مختلفی تقسیم می‌کنند. سیلور و همکاران (۱۹۸۰) پنج سطح برای اهداف تعیین کرده‌اند که شامل «مقاصد، هدف‌های کلی عمومی، زیرهدف‌ها، هدف‌های عینی و هدف‌های عینی خاص» است.

ویلز و بوندی (۲۰۰۶) معتقدند که در برنامه‌های مدارس، معمولاً اهداف این فرایند را طی می‌کنند.

فلسفه ← اهداف کلی ← اهداف ویژه ← اهداف بسیار ویژه

اهداف کلی متأثر از موقعیت فلسفی، اجتماعی و فرهنگی و در حدی از کلیت‌اند که برای اجرا باید به اهداف جزئی‌تر تبدیل شوند. اهداف جزئی نیز برای اینکه قابل ارزشیابی باشند، باید به اهداف بسیار جزئی و یا رفتاری خرد گردند.



اهداف آموزشی در کتاب های درسی ایران

در نظام آموزش و پرورش ایران دست کم شش سطح از اهداف قابل شناسایی است که عبارت اند از:

- * اهداف آرمانی نظام آموزش و پرورش رسمی
- * اهداف و مقاصد دوره های آموزشی
- * اهداف کلی دروس در دوره های آموزشی
- * اهداف جزئی آموزشی کتاب درسی در هر پایه
- * اهداف هر فصل و یا درس کتاب درسی
- * اهداف رفتاری هر فصل و یا درس کتاب درسی

سند تحول بنیادین نظام آموزشی اهداف آموزشی را در ۶ ساحت تعیین کرده است



شش ساحت سند تحول بنیادین

- ۱- اعتقادی ، عبادی، اخلاقی
- ۲- اجتماعی و سیاسی
- ۳- تربیت زیستی و بدنی
- ۴- زیبا شناختی و هنری
- ۵- اقتصادی و حرفه ای
- ۶- علمی و فناورانه



اهداف آموزشی در کتاب های درسی ایران



طبقه بندی هدف‌های تربیتی از نظر ابعاد رفتار مورد انتظار

منظور از طبقه بندی هدف‌های تربیتی چیست؟ این است که بدانیم تغییر رفتار در چه زمینه‌ها و در چه سطحی صورت می‌گیرد.

شامل رفتارهایی است که با توانایی‌های ذهنی و مهارت‌های عقلانی مانند بازشناسی، یادآوری، بیان مطلب آموخته شده تعبیر و تفسیر مطالب قضاوت در مورد امور و پدیده‌ها، استدلال و مانند آنها مربوط هستند مانند حل مسئله ریاضی-اظهار نظر در مورد متن ادبی و...



حیطه عاطفی: به رغبت‌ها، نگرش‌ها، اعتقادات و نظام ارزش‌ها مربوط است مثل علاقه مند شدن به متون ادبی با یک دوره آموزشی در ادبیات - سخت شدن اعتقادات به ائمه و پیامبر پس از خواندن زندگی پیامبر و...

حیطه روانی و حرکتی: شامل آن دسته از رفتارهایی است که به مهارت‌های عملی و اعمال بدنی مربوط هستند مانند ماشین نویسی، نقشه کشی، سیم کشی، نقاشی کردن.

طبقه بندی جدید بلوم

همکاران بلوم در سال‌های اخیر در طبقه‌بندی حیطه شناختی تجدید نظر کردند. در سال ۲۰۰۱ طبقه‌بندی جدید بلوم که شامل دو بعد: الف) انواع دانش - ب) فرایند شناختی است، منتشر گردید.

		فرایند شناختی					
		نوآوری	ارزشیابی	تجزیه و تحلیل	کاربرد	درک	یادآوری
نوع دانش	حقایق						
	مفاهیم/اصول						
	رویه‌ها						
	فراشناخت‌ها						
		توانایی			مهارت	دانش	

. طبقه بندی جدید اهداف شناختی بلوم

در این طبقه‌بندی، دانشی که باید یاد گرفته شود به چهار نوع تقسیم شده است و در هر نوع می‌توان انتظار داشت که فراگیرندگان عملکرد متفاوتی داشته باشند. برای مثال، عملکرد دانش‌آموز در مورد مفهوم انبساط امکان دارد فقط در سطح یادآوری باشد؛ یعنی فقط بتواند معنی آن را بازشناسی کند، و امکان دارد در سطحی بالاتر یعنی درک باشد؛ یعنی بتواند مفهوم انبساط را با زبان خود توضیح دهد. بنابراین، هر کدام از انواع چهارگانه دانش می‌توانند شش سطح عملکرد داشته باشند؛



سطوح حیطة شناختی

ارزشیابی					
ترکیب	ترکیب				
تجزیه و تحلیل	تجزیه و تحلیل	تجزیه و تحلیل			از عینی و ساده به انتزاعی و پیچیده
کاربرد	کاربرد	کاربرد	کاربرد		
فهمیدن	فهمیدن	فهمیدن	فهمیدن	فهمیدن	
دانش	دانش	دانش	دانش	دانش	دانش



حیطه عاطفی

قبلور ارزش ها در شخصیت (درونی کردن)				
سازماندهی ارزش ها	سازماندهی ارزش ها			
ارزش گذاری	ارزش گذاری	ارزش گذاری		
پاسخ دادن	پاسخ دادن	پاسخ دادن	پاسخ دادن	
توجه	توجه	توجه	توجه	توجه (دریافت ت کردن)



سطوح حیطه روانی و حرکتی

عادی شدن				
هماهنگی	هماهنگی			
دقت	دقت	دقت		
اجرای مستقل	اجرای مستقل	اجرای مستقل	اجرای مستقل	
آمادگی	آمادگی	آمادگی	آمادگی	آمادگی



اهداف آموزشی کتاب های درسی از نظر محتوا

اهداف برنامه های درسی را از جنبه نوع محتوا نیز می توان طبقه بندی کرد. الکساندر و همکارانش (۱۳۷۲) چهار نوع هدف را مورد توجه قرار داده اند: اهداف مربوط به رشد شخصی، اهداف مربوط به شایستگی اجتماعی، اهداف مربوط به مهارت های یادگیری تداومی، و اهداف مربوط به تخصص.

محتوای اهداف برنامه های درسی دوره ابتدایی نیز جنبه های متفاوتی را در بر می گیرد و هر درس وظیفه پوشش دادن به یک یا چند جنبه را به عهده دارد. گاه با اهدافی برخورد می شود که از طریق چند درس تحقق می یابند؛ برای مثال، اهداف برنامه درسی علوم دوره ابتدایی به چهار گروه اهداف علوم بهداشت، علوم زیستی، علوم زمینی و علوم فیزیکی تقسیم می شوند. این در حالی است که در اهداف درس «بخوانیم و بنویسیم» با برخی از اهداف علوم بهداشت برخورد می شود.



متن کتاب های درسی

بیشترین حجم کتاب درسی مربوط به متن کتاب درسی است. برخی معتقدند که ۹۵ درصد کتاب درسی را متن آن تشکیل می دهد. متن کتاب درسی ابزاری است که محتوای برنامه درسی در آن سازماندهی می شود و از طریق آن ارائه می گردد؛ ابزاری که در بردارنده موضوعات، مباحث، عقاید، رفتارها، مفاهیم و حقایق است (یونسکو، ۲۰۱۳)؛ به این ابزارها «رسانه» گفته می شود. شایان ذکر است که هر محتوایی، برای ارائه به ابزار و وسایلی نیازمند است. صفحه‌ای از روزنامه، سخنان یک دوست، بخشی از یک فیلم، یک نقاشی و... وسایل و ابزارهایی هستند که اطلاعات و داده‌ها در آن‌ها نگهداری می شوند و منتقل می گردند. این ابزار و وسایل، «رسانه» نامیده می شوند (ای پی ای، ۲۰۰۸).

رسانه‌ها به چند گروه تقسیم می شوند که یکی از آن‌ها رسانه‌های آموزشی است. رسانه‌های آموزشی وسایل، افراد، ابزار و موقعیت‌هایی هستند که موجب ارتباط یاددهنده و یادگیرنده شده و براساس روش‌های یاددهی - یادگیری مشخصی سازمان داده شده‌اند (نوریان، ۱۳۸۸).

متن کتاب‌های درسی از دو جنبه می تواند مورد بررسی قرار گیرد:

- ۱) محتوایی، منظور محتوایی است که در متن کتاب درسی آورده می شود.
- ۲) سازماندهی، منظور چگونگی سازماندهی محتوا در متن کتاب درسی است.



متن کتاب های درسی

برای آگاهی بیشتر درباره دو جنبه یاد شده، بررسی محورهای پنج گانه زیر ضروری است:

- ✓ متن و اهداف کتاب درسی
- ✓ محتوا و درک متن توسط فراگیرندگان
- ✓ متن نوشتاری و متن تصویری
- ✓ ساختار متن
- ✓ انواع محتوا در متن.



۱- متن و اهداف کتاب درسی

کتاب های درسی مثل سایر رسانه های آموزشی به منظور استفاده در فرایندهای یاددهی-یادگیری طراحی، تدوین و تولید می گردند؛ فرایندهایی که به دنبال تغییر رفتار در فراگیرندگان هستند. این تغییرات رفتاری، یا همان اهداف آموزشی، باید در محتوای کتاب درسی مورد توجه مؤلفان قرار گیرند. به عبارت دیگر، محتوا باید ابزاری برای تحقق اهداف درس و کتاب درسی باشد.

همه محتوای کتاب درسی، نوشتاری یا تصویری، باید در جهت تحقق اهداف باشد. گاهی در برخی از کتاب های درسی از تصاویر یا نوشتارهایی استفاده می شود که در جهت تحقق اهداف نیستند. این امر از اثربخشی کتاب درسی می کاهد و موجب سردرگمی و اتلاف وقت فراگیرندگان می شود. البته گاهی از رسانه های میانجی در متن استفاده می شود. این رسانه ها کمک می کنند که اطلاعات گسترده تر و عمیق تر از اهداف در اختیار فراگیرنده قرار گیرد. آنها نقش تسهیل کننده دارند و محتوایشان در ارزشیابی از دانش آموز، برای تحقق اهداف آموزشی مورد توجه قرار نمی گیرد.



متن کتاب های درسی

- مسئله دیگری که در این راستا مطرح می شود، توجه به سطح و حیطة اهداف است. در همین رابطه چند سؤال مهم مطرح می شود:
- ◆ آیا هر متنی که محتوای مرتبط با اهداف داشته باشد می تواند برای هر سطح و یا حیطة ای از اهداف مناسب باشد؟
 - ◆ چه تفاوت هایی بین متن نوشتاری و یا تصویری برای هدفی، در سطح دانش با هدفی در سطح درک و یا کاربرد وجود دارد؟
 - ◆ آیا بین متن نوشتاری و یا تصویری که برای هدفی در حیطة شناختی یا روان - حرکتی آورده می شود، تفاوتی وجود دارد؟
 - ◆ یک متن باید دارای چه ویژگی هایی باشد تا بتوان گفت برای سطح و یا حیطة ای از اهداف مناسب است؟
- مسلم است که هر متنی به تحقق هر هدفی در هر سطح و یا حیطة ای کمک نمی کند بلکه متن ها باید با توجه به سطح و حیطة هدف، ویژگی های خاصی داشته باشند.



متن کتاب های درسی

۲- محتوا و درک متن توسط فراگیرندگان

کتاب درسی ابزاری است که باید به تسهیل فرایند یادگیری کمک کند اما در بسیاری موارد، نه تنها فرایند یادگیری را تسهیل نمی کند بلکه آن را از بعضی جنبه ها پیچیده تر می سازد و دلیل آن، این است که فراگیرندگان در صورتی می توانند از کتاب های درسی یاد بگیرند که بتوانند آن را بخوانند و بفهمند؛ در حالی که معمولاً کتاب های درسی برای فهمیدن مشکل اند (هو و یانگ، ۲۰۰۷). بنابراین، شایسته است که درباره مفهوم «فهمیدن از کتاب درسی» بیشتر بحث شود. بدین منظور، متخصصان جهت توضیح تعامل افراد با متن مدل های مختلفی برای درک متن ارائه کرده اند. بررسی این مدل ها ضمن ایجاد شناخت از عناصر و عوامل مرتبط با فرایند پیچیده یادگیری از متن، به روشن شدن نقش محتوا در هدایت یادگیری از متن کمک می کند.



متن کتاب های درسی

۳- متن نوشتاری و متن تصویری

محققان معتقدند که برای درک بهتر محتوای متن های نوشتاری می توان از متن های تصویری کمک گرفت. در همین زمینه، مایر (۲۰۰۳) نشان می دهد که یادگیری دانش آموزانی که از کلمات و تصاویر آموخته اند، عمیق تر از دانش آموزانی است که تنها با کلمات یاد گرفته اند. تصاویر می توانند حواس بیشتری را در فرایند آموزش درگیر کنند، ارتباطات و اطلاعات ارائه شده در متون چاپی را به زبان دیگری بیان کنند، متن را وضوح بخشند و مطالب و موضوعات سخت را تفکیک و دسته بندی کنند (کوک، ۲۰۰۸). از این رو مصور کردن کتاب های درسی برای کمک به دانش آموزان جهت درک موضوعات درسی اهمیت ویژه ای دارد (اسپیلیوتوپولو و همکاران، ۲۰۰۹). وجود تصاویر در کتاب های درسی، احساس توانمندی بیشتری برای درک مطالب در خوانندگان ایجاد می کند (دیموپولاس، کولایدیس و اسکاونتیتی، ۲۰۰۳)؛ زیرا در صورت استفاده هم زمان از زبان گفتاری، دیداری و نوشتاری معانی بهتر منتقل خواهند شد (هانایا و تانگلرت، ۲۰۱۱). بنابراین، استفاده از تصویر یکی از رایج ترین روش های درگیر کردن حواس مختلف در فرایند آموزش است.



ارتباط تصاویر با متن کتاب های درسی

برای بیان چگونگی

ارتباط تصاویر با متن نوشتاری پنج نوع رابطه ارائه شده است: تصاویر منطبق با متن نوشتاری، تصاویر کلی تر از متن نوشتاری، تصاویر جزئی تر از متن نوشتاری، رابطه عموم و خصوص مطلق، و تصاویری که با متن ارتباط ندارند. از نظر نوع عملکرد نیز تصاویر کلی تر از متن می توانند متن را تشریح کنند و یا توسعه دهند و تصاویر جزئی تر از متن می توانند تمثیلی برای متن و یا تقلیل دهنده متن باشند. براساس این الگو:

تصاویر منطبق با متن: تصاویری که کاملاً با متن نوشتاری منطبق اند و در واقع، آنچه را در متن گفته شده است، به زبان دیداری بیان می کنند اما نه چیزی به متن اضافه و نه چیزی از آن کم کنند.

تصاویر کلی تر از متن: تصاویری که چیزی به متن اضافه می کنند. در واقع، متن مبتنی بر تصویر است.

تصاویر جزئی تر از متن: تصاویری که از متن جزئی ترند و در واقع، تصاویری که مبتنی بر متن اند.



ارتباط تصاویر با متن کتاب های درسی

عموم و خصوص مطلق: تصاویری که چیزی به متن می افزایند و در عین حال چیزی از آن کم می کنند.

بی ارتباطی متن و تصویر: تصاویری که با متن نوشته شده ارتباطی ندارند.

تصاویر تشریح کننده: این تصاویر برای ساده سازی متن های سخت و گاه انتزاعی، مثل سیستم گردش خون، و همچنین نشان دادن فرایندهای غیر قابل رویت، مثل چرخه نیتروژن، به کار می روند.

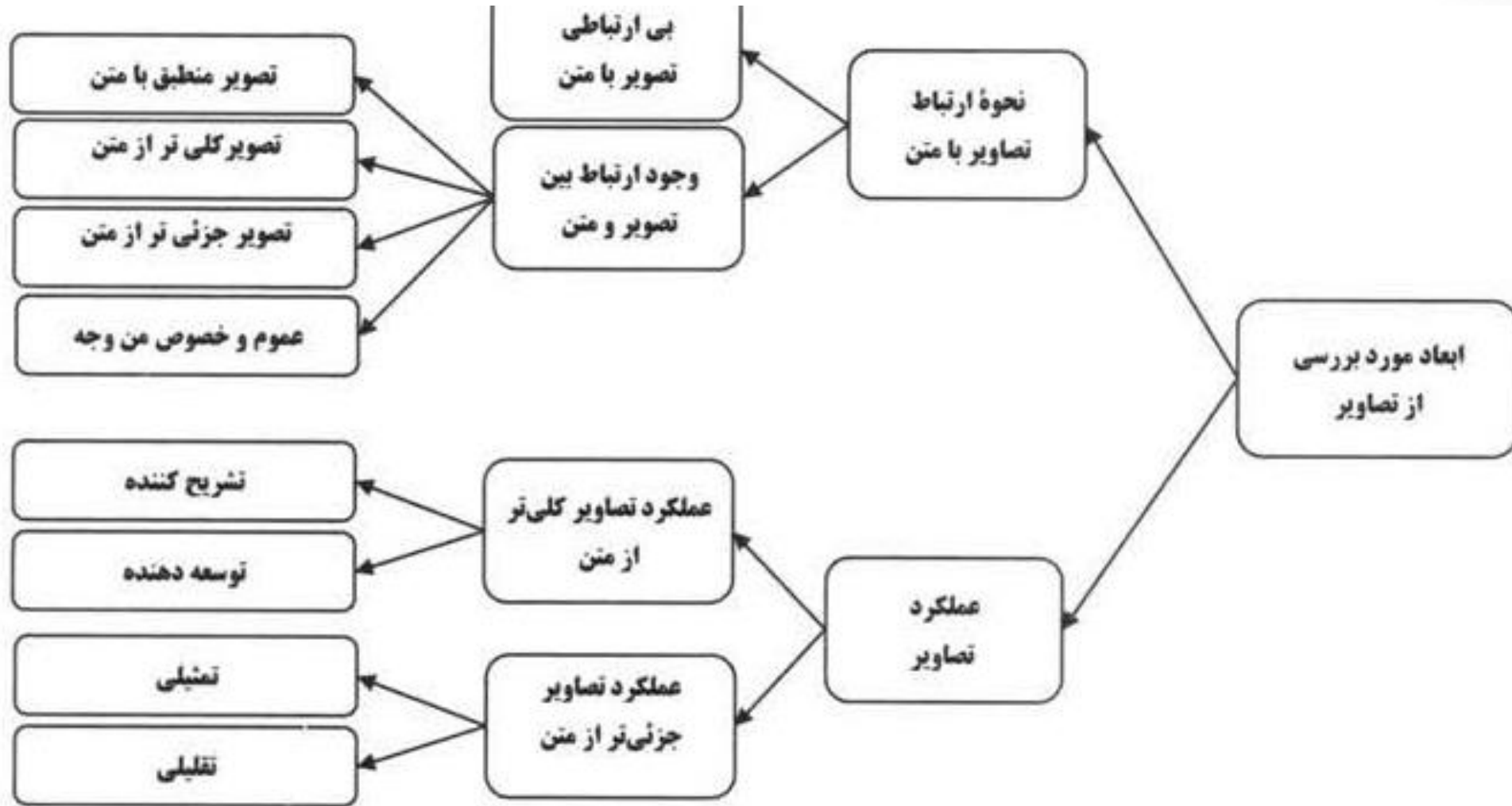
تصاویر توسعه گر: تصاویری که متن را در یک زمینه نشان می دهند. این تصاویر زمان، مکان، تاریخچه و ... را به متن اضافه می کنند؛ مثلاً در جایی که متن تنها به نتیجه اشاره کرده است این تصاویر کل اجزا را به تصویر می کشند.

تصاویر تمثیلی: این تصاویر، نمونه یا مثالی برای یک حقیقت، مفهوم یا اصل کلی ارائه می کنند.

تصاویر تقلیل گر: یکی از اجزای متن را نشان می دهند.



ارتباط تصاویر با متن کتاب های درسی



الگوی رابطه متن و تصویر در کتاب های درسی



دکتر
عبادی

متن کتاب های درسی - ساختار متن

۴- ساختار متن

هر متنی دارای ساختار است. محققان ساختارها را به دو قسمت اصلی شامل داستانی و

غیرداستانی تقسیم می کنند. در پیر (۲۰۱۱) متن های داستانی را دارای ویژگی های زیر می داند:

- مبتنی بر تصورات اند.

- داستان ها را از طریق شخصیت ها دنبال می کنند.

- به زبان ساده، شبیه زبان گفتاری، نوشته می شوند.

ساختارهای غیر داستانی مبتنی بر حقایق اند، اطلاعاتی درباره افراد، مکان ها، امور و اتفاقات حقیقی به دست می دهند و به زبان علمی نوشته می شوند؛ مثل روزنامه ها، کتاب های درسی، مصاحبه ها مقالات و دایرة المعارف ها.

لیپون و کوپر (۲۰۰۲) ساختار متن ها را به دو گروه روایی و توضیحی تقسیم می کنند و معتقدند که این دو نوع متن، اهداف و سازماندهی متفاوتی دارند؛ برای مثال، مردم معمولاً داستان ها را برای سرگرمی می خوانند؛ اگر چه ممکن است مطالبی هم از آن ها یاد بگیرند اما متن های توضیحی برای یادگیری خوانده می شوند. متن های روایی معمولاً ویژگی ها و ساختار مشترکی دارند که به آن ها دستور زبان (گرامر) داستانی گفته می شود.



متن کتاب های درسی - ساختار متن

هر متن روایی دارای: ۱- یک زمینه است؛ مانند زمان، مکان یا محل ذهنی؛ ۲- شخصیت‌هایی که نقش‌های اصلی را در داستان ایفا می‌کنند؛ ۳- یک مشکل یا اتفاق ابتکاری؛ ۴- یک خروجی یا راه حل بین اتفاقات و یا نتایجی که مشکل را حل می‌کنند؛ ۵- اغلب آن‌ها حداقل یک موضوع، ایده و مفهوم مهم دارند که نویسنده می‌خواهد آن را پوشش دهد.

بچه‌ها متن‌های روایی را راحت‌تر می‌خوانند اما ممکن است جنبه‌های ظریف داستان‌ها را درک نکنند؛ مثل انگیزه‌ها و اهداف شخصیت‌ها و یا موضوع داستان.

سازماندهی متن‌های توضیحی با متن روایی متفاوت است؛ چون هدف آن‌ها دادن اطلاعات جدید است. در این حالت، ایده‌ها به روش‌های مختلفی می‌توانند در متن سازماندهی شوند.

تحقیقات نشان می‌دهد که سختی درک ساختارهای متنی برای کودکان یکسان نیست.



متن کتاب های درسی - ساختار متن

هر متن روایی دارای: ۱- یک زمینه است؛ مانند زمان، مکان یا محل ذهنی؛ ۲- شخصیت‌هایی که نقش‌های اصلی را در داستان ایفا می‌کنند؛ ۳- یک مشکل یا اتفاق ابتکاری؛ ۴- یک خروجی یا راه حل بین اتفاقات و یا نتایجی که مشکل را حل می‌کنند؛ ۵- اغلب آن‌ها حداقل یک موضوع، ایده و مفهوم مهم دارند که نویسنده می‌خواهد آن را پوشش دهد.

بچه‌ها متن‌های روایی را راحت‌تر می‌خوانند اما ممکن است جنبه‌های ظریف داستان‌ها را درک نکنند؛ مثل انگیزه‌ها و اهداف شخصیت‌ها و یا موضوع داستان.

سازماندهی متن‌های توضیحی با متن روایی متفاوت است؛ چون هدف آن‌ها دادن اطلاعات جدید است. در این حالت، ایده‌ها به روش‌های مختلفی می‌توانند در متن سازماندهی شوند. تحقیقات نشان می‌دهد که سختی درک ساختارهای متنی برای کودکان یکسان نیست.

خوانندگان جوان ساختارهای داستانی را راحت‌تر از ساختارهای توضیحی درک می‌کنند. فیشر و همکارانش (۲۰۰۸) پنج روش سازماندهی توضیحی را مطرح می‌کنند که عبارت‌اند از: مقایسه / مقابله، مشکل / راه‌حل، علت / معلول، ترتیب وقوع / توالی - زمانی، و توصیفی. درپیر (۲۰۱۱) هفت روش را برای ساختار توضیحی مطرح می‌کند:



متن کتاب های درسی - ساختار متن

- ۱) ساختار مقایسه‌ای / مقابله‌ای : در این نوع متن شباهت‌ها و تفاوت‌های میان دو یا چند گروه از مردم، اتفاقات، مفاهیم و ایده‌ها بررسی می‌شود.
- ۲) ساختار علت - معلولی : در این ساختار روابط علی بین یک پدیده، ایده و یا مفهوم خاص با پدیده‌ها، ایده‌ها و مفاهیم دیگر ارائه می‌شود.
- ۳) ساختار متوالی : این ساختار متن یک ترتیب زمانی از اتفاقات و یا فهرستی از مراحل یک رویه را به فراگیرنده می‌دهد.
- ۴) ساختار مشکل - راه حل : در این نوع ساختار، ابتدا مشکل یا مشکلاتی مطرح و راه حل را با توضیحاتی بیان می‌شود. سپس درباره نتایج حل مشکل گفت‌وگو صورت می‌گیرد.
- ۵) ساختار توضیحی : این ساختار جزئیات یک موضوع را توصیف می‌کند تا از آن تصویری ذهنی به خواننده بدهد.
- ۶) ساختار پرسش - پاسخ : این ساختار با پرسش شروع می‌شود و برای پاسخ به آن کمی تلاش کند.
- ۷) ساختار چرخشی : این ساختار با یک اتفاق شروع می‌شود؛ در ادامه مجموعه‌ای از امور را طی می‌کند و به جای اولیه بر می‌گردد.



انواع محتوا در متن

از نظریه‌های مهم درباره‌ی ویژگی‌های متون نوشتاری، نظریه «نمایش عناصر» است. در این نظریه که مریل آن را ارائه کرده است، یادگیری در دو بعد، محتوا و عملکرد، طبقه‌بندی می‌شود.

محتوا شامل چهار طبقه «حقایق، مفاهیم، روش کار، و قوانین» و عملکرد شامل سه طبقه «یادآوری، کاربرد، کشف و ابداع» است. بر این اساس، می‌توان اجزاء محتوای یک رسانه آموزشی - مثلاً یک صفحه متن نوشتاری - را در نظر گرفت. این صفحه دربردارنده یک و یا همه انواع محتوا یعنی حقایق، مفاهیم، روش کار و قوانین است؛ یعنی، پس از جدا کردن این چهار عنصر از یک متن نباید مورد دیگری باقی بماند.



شکل ۴. انواع محتوا و عملکرد



انواع محتوا در متن

۱. حقایق: اطلاعاتی چون اسامی خاص، اماکن، نام اشخاص و تاریخ حوادث، همچنین علائم، نمادها و نشانه‌های قراردادی را شامل می‌شود.
۲. مفاهیم: به مجموعه‌اشیا، حوادث و پدیده‌هایی گفته می‌شود که دارای خصوصیات ویژه و نام مشترک هستند.
۳. روش کار: مجموعه‌ای نظام‌یافته از کارها و فعالیت‌هایی است که برای رسیدن به یک هدف، حل یک مسئله یا تولید یک محصول خاص صورت می‌گیرد.
۴. اصول: روابط بین پدیده‌ها که شامل روابط علی و معلولی، هم‌بستگی و یا هر رابطه دیگری می‌باشد که در تفسیر و تبیین حوادث به کار می‌رود

سطوح عملکرد

انواع چهارگانه محتوا براساس سطح عملکردی که از فراگیرنده انتظار می‌رود، می‌تواند به سه طبقه تقسیم شود:

۱. یادآوری

در طبقه یادآوری، از فراگیرنده انتظار می‌رود با جست‌وجو در حافظه خود، اطلاعات آموخته را بازیابی، و آن را به همان صورت و یا شکلی جدید ارائه کند. عملکرد یادآوری در هر چهار نوع محتوا وجود دارد.



انواع محتوا در متن

یادآوری حقایق: یادآوری نام تخت جمشید، و یا عید غدیر؛
یادآوری مفاهیم: یادآوری تعریف سلول و یا گیاهان سوزنی برگ؛
یادآوری روش کار: یادآوری روش محاسبه مساحت مثلث و یا تهیه حلوا؛
یادآوری اصول: یادآوری قانون جاذبه و یا اصل «کلُّ فاعلٌ مرفوعٌ» در درس عربی.

۲. کاربرد

در طبقه کاربرد، از فراگیرنده انتظار می‌رود که موضوعات آموخته شده را در موقعیت جدیدی به کار ببرد.

عملکرد کاربرد و کشف در رابطه با حقایق امکان ندارد؛ زیرا حقایق دانستنی هستند و ابداع، کشف و یا کاربرد آنها در یک موقعیت جدید ممکن نیست.

کاربرد مفاهیم: مثلاً با در اختیار داشتن «تعریف گیاهان سوزنی برگ» بتواند این نوع گیاه را از گیاهان دیگر تشخیص دهد.

کاربرد روش کار: به کارگیری روش محاسبه مساحت مثلث در محاسبه مساحت بیرونی یک گونیا.

کاربرد اصول: استفاده از اصل «کلُّ فاعلٌ مرفوعٌ» در اعراب گذاری فاعل جملات عربی.



انواع محتوا در متن

۳. کشف، ابداع، تعمیم

در طبقه کشف، ابداع و تعمیم، از فراگیرنده انتظار می رود بتواند با جمع بندی مطالب ارائه شده به تعمیم و یا کشف جدیدی برسد. البته جدید بودن تعمیم و یا کشف برای دانش آموز است نه اینکه این موضوع در جهان برای اولین بار کشف شده باشد.

تعمیم و یا کشف مفاهیم: با بررسی مصادیق یک مفهوم، به یک ویژگی جدید درباره آن دست می یابد؛ مثلاً با بررسی نمونه های گیاهان سوزنی برگ کشف می کند که برگ این گیاهان در زمستان سبز است.

تعمیم و یا کشف کاربرد: با به کارگیری نمونه هایی از روش کار به یک روش کار جدید دست می یابد؛ مثلاً در استفاده از یک فرمول محاسباتی ریاضی به راه حل جدید می رسد.

تعمیم و یا کشف قوانین و اصول: با مشاهده و بررسی یک اصل و یا قانون به تعمیم جدید دست پیدا می کند؛ مثلاً با مطالعه روی تعدادی مثلث به این اصل کلی برسد که اگر ارتفاع یک مثلث ثابت و قاعده آن دو برابر شود، مساحتش نیز دو برابر می شود.



متن کتاب های درسی - تمرین کتاب های درسی

کتاب درسی تنها ارائه دهنده اطلاعات، (حقایق، مفاهیم، اصول و ...) مهارت‌ها و ارزش‌گذاری‌ها نیست بلکه پیشنهاد دهنده فعالیت‌هایی برای بیشتر درگیر کردن دانش‌آموزان با موقعیت یادگیری است. این فعالیت‌ها هم در متن درس و هم به‌عنوان تمرین در کتاب درسی ارائه می‌شوند. تمرین‌ها دو نقش اساسی می‌توانند داشته باشند:

الف) معیاری برای یادگیری: وقتی دانش‌آموزی می‌تواند یک تمرین را به‌خوبی انجام دهد، مشخص می‌شود که به اهداف خواسته شده رسیده است.

ب) ایجاد فرصت‌هایی برای یادگیری؛ تمرین‌ها به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا با تلاش به اهداف برسند.

بدیهی است که تمرین‌ها متناسب با اهداف و محتوای هر درس طراحی و ارائه می‌گردد. در همین راستا چهار سطح برای یادگیری مطرح می‌شود:

۱. به‌خاطر سپاری ۲. ادراک ۳. به‌کارگیری ۴. تفکر برتر. به‌خاطر سپاری ساده‌ترین و سطحی‌ترین پایه و شامل یادگیری طوطی‌وار است. در مقابل، ادراک مشتمل بر ترکیب دانش جدید با ساختارهای شناختی موجود از طریق برقرارکردن ارتباط‌های معنادار با دانش پیشین است.

مهارت‌های به‌کارگیری مشتمل بر یادگیری تعمیم و انتقال کاربرد یک مهارت در شرایط مختلف است و شامل طبقه‌بندی مفاهیم، به‌کاربردن اصل‌ها، و به‌کارگیری روش کارها (روش کارهای ذهنی و عینی) می‌شود.

سطح چهارم یادگیری مرتبط با تفکر برتر است که شامل مهارت‌های تفکر، راهبردهای یادگیری و فراگردهای فراشناختی‌ای می‌شود که کاربردی و رای‌حیطه‌های محتوایی دارند. صاحب‌نظران آموزشی دریافته‌اند که چهار نوع یادگیری مطرح شده، آموزش‌های کاملاً متفاوتی را طلب می‌کنند.



متن کتاب های درسی - تمرین کتاب های درسی

- نمونه‌ای از تمرین‌ها برای هر سطح یادگیری به شرح زیر است:
- ✓ تمرین برای موضوعات بازشناسی؛ با ارائه مورد در کتاب درسی از دانش آموز خواسته می‌شود تا مشخص کند که آن مورد در فهرست اصلی بوده است یا خیر. مثل پرسش‌های جورکردنی، چند گزینه‌ای و پرسش‌های صحیح و غلط.
 - ✓ تمرین برای موضوعات یادآوری؛ با ارائه فهرست به دانش‌آموز، از او خواسته می‌شود که موارد موجود در حافظه اش را بازیابی کند. مثل پرسش‌هایی که در آن‌ها دانش‌آموز حقایق را به صورت شفاهی بازگو می‌نماید، پرکردن جای خالی و پاسخ کوتاه.
 - ✓ تمرین برای درک ارتباط‌ها (به منظور تسهیل عملکرد)؛ از دانش‌آموزان در مورد چگونگی ارتباط بین موضوع جدید و دانش پیشین مربوط به آن سؤال می‌شود. در این موارد، تمرین‌ها پردازش عمیق‌تری را طلب می‌کنند و هدفشان انتقال موضوعاتی است که دانش‌آموزان هنوز با آن‌ها مواجه نشده‌اند. معمولاً درخواست رسم یک نگاره یا نمودار توسط دانش‌آموز بهتر از نوشتن نوع ارتباط است (مثل مقایسه و مقابله).
 - مقایسه و مقابله به شناسایی مشابهت‌ها و مغایرت‌های دو مفهوم منجر می‌شود.



متن کتاب های درسی - تمرین کتاب های درسی

✓ تمرین برای به کارگیری مهارت؛ در این موارد، پیش از ارائه پاسخ از طرف دانش آموز نباید درباره آن به وی توضیح داد. مثل:

تشخیص: از دانش آموزان بخواهید که موارد صحیح یک مفهوم را شناسایی کنند، یک روش کار را به طور صحیح نمایش دهند یا یک اصل را به درستی به کار گیرند.

تصحیح: از دانش آموزان موارد نادرست یک مفهوم، نمایش های نادرست یک روش کار یا به کارگیری نادرست یک اصل را بخواهید.

تولید: از دانش آموزان ارائه یک مورد صحیح از یک مفهوم، عملکرد صحیح یک روش کار یا به کارگیری صحیح یک اصل را بخواهید.

خودکار کردن (فقط برای روش کارها): اول، درخواست تمرین مراحل در حد معیار صحت؛ دوم درخواست تمرین مراحل در حد معیار سرعت؛ سوم درخواست تمرین مراحل در حال انجام دادن یک کار فرعی (در صورت انطباق آن با مقتضیات پس از آموزش).

تمرین برای تفکر برتر: در این مرحله، دانش آموزان به طور روز افزون به مهارت های تفکر برتر مانند مهارت های حل مسئله، راهبردهای یادگیری، مهارت های تفکر انتقادی، مهارت های تحقیق و مهارت های فراشناختی نیاز دارند. مهارت های تفکر برتر بر توانایی تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزشیابی مبتنی است.



کلیاتی درباره تحلیل محتوای کتاب های درسی

بشر همواره به دنبال ابداع روش هایی برای شناخت بهتر پدیده ها بوده است. هر روش براساس نیازهای خاصی شکل گرفته و در طول زمان و با تلاش اندیشمندان تکامل یافته است. بررسی سیر تاریخی کاربرد و تعاریف یک روش قدم های اولیه برای شناخت آن است؛ روش تحلیل محتوا نیز از این قاعده مستثنی نیست. بررسی ضرورت ها، جایگاه و سیر تحول تعاریف تحلیل محتوا آغاز مناسبی برای آشنایی با این روش تحقیق است.



کلیاتی درباره تحلیل محتوای کتاب های درسی

۱-۱. قضاوت های ذهنی و عینی در ارتباطات انسانی

انسان موجودی اجتماعی است و لازمه زندگی اجتماعی، ارتباط با دیگران است. در فرایند ارتباط، افراد ناگزیر از تفهیم نظرات، افکار و خواسته های خود به دیگران و متقابلاً درک مقاصد، دیدگاه ها و انتظارات آنان هستند.

تبادل اطلاعات معمولاً از طریق زبان صورت می گیرد. انسان با سخن گفتن، نوشتن و یا خواندن با دیگران ارتباط برقرار می کند. البته، گاهی از نقاشی، مجسمه سازی و سایر رشته های هنری و همچنین زبان بدن و زبان اشاره برای این منظور استفاده می شود.

انسان ها برای برقراری ارتباط با یکدیگر به درک متقابل نیازمندند. درک افراد از یکدیگر، به ویژگی های فردی، اجتماعی و زمینه های فرهنگی آنان بستگی دارد. از همین روست که در بسیاری از مواقع، از یک رفتار برداشت های متفاوتی صورت می گیرد. علت این است که ویژگی ها و روش زندگی انسان اعم از فردی، اجتماعی، ارزش ها، نگرش ها، ابزار و وسایل مورد استفاده متأثر از فرهنگی است که فرد در آن به دنیا آمده، رشد کرده است و زندگی می کند؛ از این رو انسان ها تفاوت های بسیاری دارند.



کلیاتی درباره تحلیل محتوای کتاب های درسی

برای نمونه، ممکن است بعضی افراد با مشاهده تعارف های عادی یک فرد، او را فردی متملق و چاپلوس بدانند؛ در حالی که از نظر بعضی دیگر، او فردی با ادب باشد و رفتارش مطابق با شئون انسانی دانسته شود. بنابراین، درباره سخنان، نوشته ها و گفتار افراد، قضاوت های گوناگونی صورت می گیرد؛ قضاوت های هر کس از تجربه های وی و زمینه های فرهنگی و ویژگی های فردی و اجتماعی اش نشئت می گیرد.

این قضاوت ها هنگامی با پذیرش دیگران روبه رو می شود که قضاوت کنندگان دلایل و مستندات منطقی و قابل اعتمادی ارائه کنند. به عبارت دیگر، مهم این است که قضاوتی مورد پذیرش همه افراد با تنوع ویژگی های فردی و اجتماعی ارائه شود.



کلیاتی درباره تحلیل محتوای کتاب های درسی

برای مثال، گروهی از مطالب یک روزنامه نتیجه می گیرند که آن نشریه با زیرکی و با استفاده از روش های خاص در پی از بین بردن روحیات ضد غربی مردم و نزدیک شدن به غرب است. این در حالی است که دیگران تلاش آن روزنامه را در مسیر گسترش آزادی های مدنی می دانند و آن را از اهداف حرکت های ضد غربی در سال های اخیر بر می شمردند. احتمالاً دیگرانی یافت می شوند که نظراتی متفاوت با نظر دو گروه اول دارند. در این مثال، تأثیر خصوصیات فردی، اجتماعی و زمینه های فرهنگی گیرنده پیام بر درک او، قضاوت های متفاوتی از یک پیام یکسان به وجود آورده است. براین اساس، محققان در پی یافتن روش هایی هستند تا بتوانند خصوصیات پیام را به دور از تأثیر ویژگی های فردی و اجتماعی انسان ها بررسی کنند و نتایجی مورد پذیرش همه افراد ارائه دهند. برای انجام دادن این کار مهم، یک روش علمی آزموده شده مورد نیاز است؛ «تحلیل محتوا» در تلاش است قضاوت های ذهنی نشئت گرفته از ویژگی های فردی و اجتماعی انسان را به قضاوت هایی عینی تبدیل کند.



کلیاتی درباره تحلیل محتوای کتاب های درسی

۱-۲. شناخت عینی عناصر فرایند ارتباط

با گسترش رسانه‌ها نیاز به قضاوت‌های عینی تنها در پیام محصور نماند و ذهن محققان علوم اجتماعی را به فرایند ارتباط متوجه ساخت.

«ارتباط» تعاریف متعددی دارد؛ یکی از تعاریف مشهور آن عبارت است از: «فراگرد انتقال پیام از سوی فرستنده برای گیرنده، مشروط بر آنکه درگیرنده پیام، مشابهت معنا با معنای مورد نظر فرستنده پیام ایجاد شود» (محسنیان راد، ۱۳۶۹).

در هر فرایند ارتباطی حداقل سه عنصر وجود دارد:

الف) تولید کننده و یا فرستنده پیام؛ منبعی که پیام را تولید می‌کند.

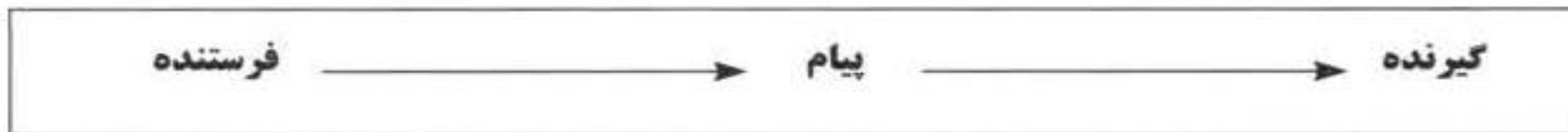
ب) گیرنده و یا مصرف کننده پیام؛ فردی که پیام را دریافت می‌کند.

ج) وضعیت اجتماعی؛ ارتباط نه در فضایی خالی، بلکه در یک محیط خاص اجتماعی

صورت می‌پذیرد.



کلیاتی درباره تحلیل محتوای کتاب های درسی



وضعیت اجتماعی

شکل شماره (۱) الگوی ساده ارتباطی

محققان با در اختیار گرفتن برخی پیام‌ها، در پی یافتن پاسخ برای سؤالات زیر هستند.

- ویژگی‌های اخلاقی، شخصیتی و اجتماعی پیام دهنده کدام‌اند؟

- نوع نگرش و اعتقاد پیام دهنده نسبت به موضوع پیام چیست؟

- پیام دهنده از ارائه پیام، چه هدف / اهداف آشکار و یا غیر آشکاری دارد؟

- مخاطبان پیام چه کسانی هستند؟

- خصلت‌های اخلاقی، دانش و بینش مخاطبان نسبت به یک موضوع و یا موضوعات

خاص چگونه است؟

- پیام در چه وضعیت اجتماعی تولید شده است؟

- میزان تأثیر ارزش‌های حاکم بر وضعیت اجتماعی تولید پیام، بر آن چقدر است؟



کلیاتی درباره تحلیل محتوای کتاب های درسی

علاوه بر محققان روزنامه نگاری و ارتباطات جمعی، محققان و دانشمندان سایر رشته‌ها، چون جامعه شناسی و روان شناسی نیز به فرایندها و تأثیرات ارتباط جمعی توجه کرده و اغلب تحلیل محتوا را گامی ضروری در شناخت این تأثیرات دانسته‌اند (رایف، لیسلی و فیکو، ۱۹۹۸).

در بیست سال گذشته، روش تحلیل محتوا بیشترین رشد را داشته است (نیویندورف، ۲۰۰۲).

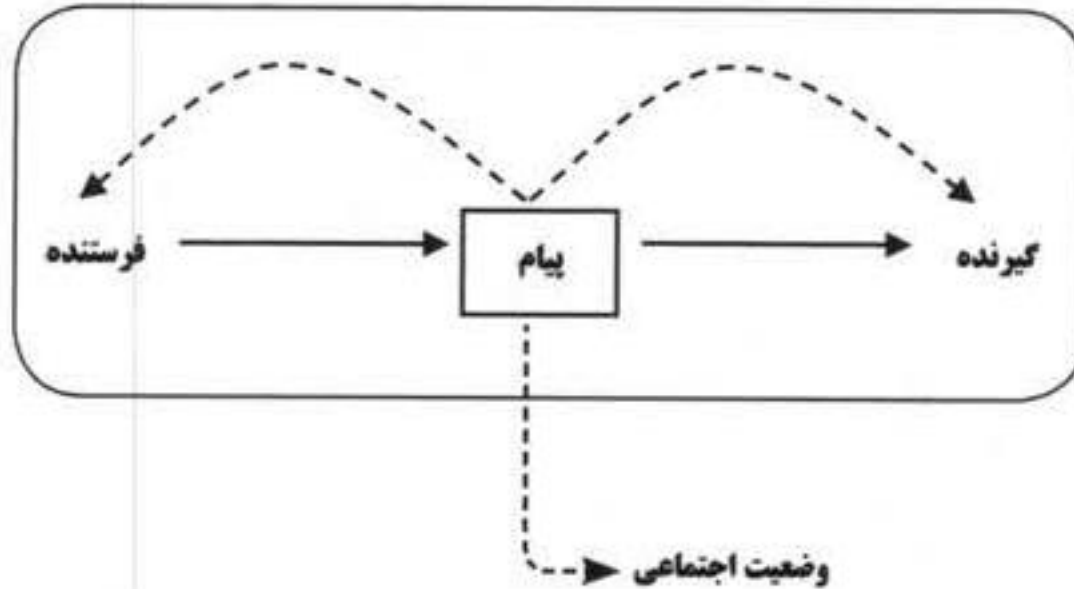
در این روش براساس محتوای پیام، در مورد سه عنصر فرایند ارتباط - فرستنده، گیرنده و وضعیت اجتماعی - نتیجه گیری می شود. به عبارت دیگر، علاوه بر آنکه اثر (پیام) مورد بررسی و ارزیابی قرار می گیرد، به سه عنصر دیگر فرایند ارتباط نیز توجه می شود:

۱. فرستنده مورد بررسی قرار می گیرد؛ یعنی مشخص می شود که پیام دهنده چه کسی است؛ خصوصیات فردی و اجتماعی او کدام‌اند و هدف او از پیام چیست؛
۲. گیرندگان پیام چه کسانی هستند؟ (مخاطبان پیام چه ویژگی‌هایی دارند؟)
۳. وضعیت اجتماعی حاکم بر فرایند ارتباط چگونه است؟



کلیاتی درباره تحلیل محتوای کتاب های درسی

در این مورد به بررسی ارزش های حاکم برگیرنده و فرستنده پیام توجه می شود و شرایط به وجود آمدن فرایند ارتباط تجزیه و تحلیل می گردد.



شکل شماره (۲) کارکرد تحلیل محتوا در فرایند ارتباط



تعاریفی درباره تحلیل محتوا

تعاریف متعددی از تحلیل محتوا ارائه شده است. در ابتدا تنها آن را فنی برای توصیف پیام‌های ارتباطی می‌دانستند (برلسون و لازارسفلد، ۱۹۴۸) ولی به مرور و با گسترش تحقیقات، تعاریف جامع‌تری نیز برای آن ارائه شد.

پذیرفته‌ترین و متداول‌ترین تعریف مطرح شده عبارت است از:
«تحلیل محتوا فنی است تحقیقی به‌منظور توصیف عینی، نظام‌دار و کمی محتوای بارز ارتباطات.» (پیشین)

تأکید صرف بر محتوای بارز ارتباط در این تعریف، موجب ارائه تعاریف دیگری شده است. برخی تحلیل‌ها هدف دیگری داشتند، و آن، به دست آوردن نتایجی از خصوصیات غیر بارز متن بود. در این تعریف به وضعیت اجتماعی حاکم بر فرایند ارتباط توجه نشده است. و بر (۱۹۹۰) تحلیل محتوا را روشی می‌داند که با استفاده از سلسله رویدادها، استنتاج‌های معتبری از متن به دست می‌آورد.

همچنین، نیومن (۱۹۹۷) تحلیل محتوا را تکنیکی برای گردآوری و تحلیل محتوای متن توصیف کرده است. از نظر وی منظور از محتوا، کلمات، معانی، تصاویر، نمادها، افکار، موضوعات و یا هر پیامی است که می‌تواند موضوع ارتباط باشد. متن نیز هر نوشته، تصویر و یا صدایی را که وسیله‌ای برای ارتباطات است، شامل می‌شود.



تعاریفی درباره تحلیل محتوا

در تعریف دیگری (مین تز ، ۱۹۷۲) آمده است: «منظور از این روش آن است که بتوان، یک متن گفته یا نوشته شده را براساس خصوصیات زبانی، به طور واقع بینانه (عینی و نظام مند سیستماتیک) شناخت و از آن‌ها مسائل غیرزبانی، یعنی خصوصیات فردی و اجتماعی گوینده و نویسنده و ... را نیز استخراج نمود.»

نئوندورف (۲۰۰۲)، محقق معاصر، تحقیقات بسیاری را با استفاده از این روش انجام داده است. او تحلیل محتوا را این گونه توصیف می کند: «روش خلاصه کردن و تحلیل کمی پیام‌ها که متکی بر روش علمی است.» در این تعریف، تحلیل محتوا به تحلیل کمی محدود می شود و تحلیل‌های کیفی را در بر نمی گیرد.

